

مردمان قدیم جزیره قشم

چگونه با ساخت آبنبارها به
آب شیرین دست پیدا کردند؟

رؤیای رضایی نسب

ایران جان

جزیره قشم بزرگ‌ترین جزیره ایران در خلیج فارس و یکی از شهرستان‌های استان هرمزگان است. آب‌وهوای قشم گرم و خشک است، با تابستان‌هایی سوزان، که تنها نسیم‌های خنک دریایی می‌توانند کمی از گرمای آن بکاهند. در این جزیره باران به ندرت می‌بارد و آب شیرین بسیار کم است. کمبود آب باعث شده است مردم جزیره برای ذخیره آب باران از روش‌های خاصی مثل ساخت آبنبار استفاده کنند.

انباری برای آب‌ها

سخت است دورتادورت را آبی دریا فرا گرفته باشد، اما در گرمای طاقت‌فرسای جنوب، مجبور باشی روی خاک سرخ کیلومترها راه بروی تا به جرعه‌ای آب برای نوشیدن برسی. فکر کن هر روز صبح کوزه‌های سنگین بر شانه‌ات بگذاری و زیر آفتاب داغ و بادهای شور و نمکی که از سمت اقیانوس به صورت می‌خورند، به سمت چشمه‌های آب در دوردست‌ها بروی و با کوزه‌های سنگین‌تر برگردی! ماجرایی که هر روز باید آن را برای اندکی آب تکرار کنی؛ ماجرایی که هر روز برای مردم جزیره قشم تکرار می‌شد تا اینکه بالاخره راه‌حلش را یافتند.

حدود ۲۰۰ سال پیش، در جزیره قشم، مثل امروز آب برای خوردن بسیار کم بود. باران فقط در بعضی از ماه‌ها می‌بارید و مردم این جزیره مجبور بودند برای رسیدن به آب شیرین، مسیرهای زیادی را در طول روز راه بروند. در این جزیره زنی مهربان به نام بی‌بی صوغیه زندگی می‌کرد؛ همسر حاکم قشم. او وقتی درد مردم سرزمینش را دید، تصمیم گرفت کاری کند تا مردم راحت زندگی کنند و مجبور نباشند برای رسیدن به آب این همه سختی بکشند. بی‌بی صوغیه با کمک معماران و استادکاران، جایی در وسط محله را انتخاب کرد و در آن بنایی عجیب ساخت که می‌شد در آن آب شیرین و خنک ذخیره کرد. نام این بنا «آبنبار» بود و مردم به احترام کمک‌های بی‌بی صوغیه، به آن «آبنبار بی‌بی» می‌گفتند.

۴۶

نوجوان

شماره ۲ آبان ۱۳۹۴

گنبدی برای آب

روی چاله را با گنبدی بزرگ و زیبا می‌پوشانند. سقف‌های گنبدی، علاوه بر زیبایی، کاربردهای دیگری هم دارند که به بهتر شدن معماری آب‌انبارها کمک می‌کند. در سقف گنبدی، برعکس سقف‌های مسطح و صاف، همیشه نصف روز در نیمه‌ای از آن سایه وجود دارد. بنابراین، سقف گنبدی آب‌انبار باعث می‌شود گرمای کمتری به آب درون آن منتقل شود و آب خنک بماند.

چسب جادویی

حتماً این را شنیده‌اید که «آب سربالا نمی‌رود». پس برای جمع‌آوری آب، نیاز بود یک چاله بزرگ در دل زمین ایجاد کنند. معمولاً این چاله را با کمک یک گاو و خیشی که به آن بسته شده بود حفر می‌کردند. گاو با شعاعی به اندازه شعاع آب‌انبار به دور نقطه‌ای می‌چرخید و خیشی که به آن بسته شده بود، زمین را حفر می‌کرد و چاله با حرکت مداوم گاو عمیق و عمیق‌تر می‌شد. وقتی چاله آماده شد، دیوارها و کف آن را با آجر و سنگ می‌ساختند. اما شاید فکر کنید چگونه آب از بین این سنگ‌ها و آجرها خارج نمی‌شود؟ در زمانی که هنوز سیمان و بتن وجود نداشت، معماران و استادکاران قدیم ایرانی، با مخلوط کردن موادی مثل خاک رس، آهک، خاکستر، نمک، آب و گاهی روغن یا شیر شتر، ماده چسبناک و محکمی درست می‌کردند که با آن می‌توانستند دیوار و کف آب‌انبارها را ضد آب کنند. به این چسب جادویی «ساروج» می‌گفتند.

تله‌ای برای باد

یکی دیگر از کارهایی که برای خنک نگه‌داشتن آب انجام می‌دادند، ساختن یک یا چند بادگیر بر گنبد آب‌انبار بود. بادگیرها مانع دودکش‌هایی بلند، هوای خنک را وارد و هوای گرم را از آب‌انبار خارج می‌کردند. بادگیرهای آب‌انبار، علاوه بر خنک کردن آب، کمک می‌کردند آب بوی بد به خود نگیرد.

پله‌پله تا آب

الان خوب می‌دانید که چرا مخزن آب در آب‌انبار در زیرزمین قرار دارد. بنابراین، باید ده‌ها پله را به سمت پایین بروی تا به شیر آبی که در انتهای مخزن قرار دارد برسی. قطعاً در آن زمان بالا و پایین رفتن از این پله‌ها با آن کوزه‌های سنگین کار آسانی نبود، اما هر چه هم که سخت باشد، از طی کردن کیلومترها راه در گرمای طاقت‌فرسای جنوب راحت‌تر است.

نهرهایی برای سیراب کردن آب‌انبار

شاید برایتان این سؤال پیش آمده باشد که آب این آب‌انبارها از کجا می‌آید؟ در اطراف آب‌انبارها نهرهایی باریک و کم‌عمق وجود داشتند. وقتی باران می‌بارید، آب روی بام‌ها و کوجه‌ها به این نهرهای باریک می‌ریخت و آن‌ها هم آب را به آرامی به درون آب‌انبار هدایت می‌کردند تا در روزهایی که خبری از باران نبود، بتوانند از این آب ذخیره استفاده کنند.